

Rational-philosophical analysis of Effective solutions in the development of social ethics In Iranian society (at the societal level)

Fereshte abolhassani niaraki*

Abstract

Moral development is one of the characteristics of comprehensive development of the country, which is affected by political, social, economic, cultural dimensions and affects other dimensions through mutual relations. In this paper, the moral development of society is examined with a kind of structural and socialist approach that, in addition to individualistic interpersonal relationships, looks at the collective body beyond the totality of individuals. In this article, with an analytical-rational approach and avoiding exclusivism, we analyze the effective cognitive and motivational factors in moral development in Iranian society. Attention to the complexity of ethics in today's society, critical application of values, national pathology and emphasis on sociological studies of ethics in the analysis of the current situation, emphasis on investment in children and moral infrastructure such as family and school, non-educational Direct ethics with emphasis on mass media, creating internal contexts (otherness: empathy, love, altruism) and external motivation and public participation such as trust, transparency, legalism, youthfulness, etc. Such are analytical factors.

Keywords

ethics, moral development, Iranian society, factors, analytical method



*Assistant Professor in Department of Islamic philosophy and theology, university of Mazandaran.
f.abolhasani@umz.ac.ir

واکاوی عقلی فلسفی راهکارهای مؤثر در رشد اخلاق اجتماعی در جامعه ایرانی (در سطح جامعه‌نگر)

فرشته ابوالحسنی نیارکی*

چکیده

رشد اخلاقی از شاخص‌های توسعه کشور است که از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد و در مقابل، بر دیگر ابعاد اثر می‌گذارد. در این جستار، رشد اخلاقی جامعه با نوعی رویکرد ساختاری و جامعه‌نگر بررسی می‌شود. این رویکرد، علاوه بر روابط بیناشخصی فردگرایانه، به سطحی فراتر از مجموع افراد نظر دارد. در این مقاله، با نگرشی تحلیلی-عقلانی و با پرهیز از حصرگرایی، به تحلیل عوامل مؤثر شناختی و انگیزشی در رشد اخلاقی جامعه ایرانی پرداخته‌ایم. توجه به پیچیدگی اخلاق در جامعه امروزی، کاربست انتقادی ارزش‌ها، آسیب‌شناسی ملی و تأکید بر مطالعات جامعه‌شناختی اخلاق در تحلیل وضعیت کنونی، تأکید بر سرمایه‌گذاری بر کودکان و زیرساخت‌های اخلاقی نظیر خانواده و مدرسه، آموزش غیرمستقیم اخلاق با تأکید بر رسانه‌های جمعی، ایجاد زمینه‌های درونی (دیگرگرایی: همدلی، محبت، نوع‌دوستی) و بیرونی انگیزش و مشارکت عمومی نظیر اعتماد، شفافیت، قانون‌گرایی و جوان‌گرایی از جمله عوامل تحلیلی است.

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران.





کلیدواژه‌ها

اخلاق جامعه‌نگر، رشد اخلاقی، جامعه ایرانی، عوامل، روش تحلیلی، راهکارها.

طرح مسئله

تغییر از بدیهی‌ترین خصوصیات جامعه است که می‌تواند در تمام ساحات جامعه نمود یابد. مسئله مطرح در این جستار، دگرگونی‌های اخلاقی جامعه است. جامعه ایرانی از تحولات اخلاقی و تغییر الگوهای رفتاری-ارزشی گریزی ندارد و اتفاقاً نتایج پژوهش‌های تجربی مؤید این ادعاست.^۱ جامعه در برابر این دگرگونی‌ها، باید واکنشی فعالانه و برنامه‌ریزی شده نشان دهد. این واکنش می‌تواند به صورت جزیره-ای و پراکنده باشد یا با نوعی انگیزه اصلاح ساختارمند، توصیفی دقیق از وضعیت موجود به دست دهد و با ارائه اهدافی واقع‌بینانه، راهبردی باشد. سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه ما، چشم‌اندازهایی در برنامه‌های توسعه و «سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» یافته است.

در این مقام، بدون موضع‌گیری و ارزیابی وضعیت اخلاقی جامعه یا نقد سیاست‌گذاری‌ها، به تحلیل راهکارهای مؤثر در توسعه اخلاقی می‌پردازیم. مسائل رشد اخلاقی، چندتباری و مشترک بین علم اخلاق، تربیت اخلاقی، اخلاق فلسفی، حکمت عملی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی اخلاق، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناختی اخلاق است. پژوهش حاضر از تبار مطالعات تحلیلی-عقلی است که

۱. حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۰)، کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قم: دفتر نشر معارف؛ آزاد ارمکی، تقی و مصطفی ظهیری‌نیا، (۱۳۸۹)، «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، خانواده‌پژوهی، ش ۶ (پیاپی ۲۳)، ص ۲۷۹-۲۹۷؛ صدیق ضیایی، سارا (۱۳۸۳)، بررسی تغییر الگوهای فرهنگی حاکم بر نگرش زنان نسبت به کار خانگی (در شهر رشت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی؛ طالبی، مجتبی (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییر ارزش‌ها با تأکید بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال و والدین آنان در بخش خضر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم و ...

از قدیم، دغدغه اخلاق‌نگاران فلسفی در ترسیم الگوهایی در تحول اخلاق جمعی بوده است. فلاسفه مغرب‌زمین نیز با انواع نگرش‌های دینی (راینهولد، ۱۳۸۹) و نیهیلیسم اخلاقی (Hinckfuss, 1987))، به رشد اخلاقی جامعه پرداخته‌اند. در رویکرد تجربی، اندیشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی، بیشتر به توصیف تغییرات جوامع، ترسیم فرایند و تفسیر چگونگی دگرگونی‌ها و نقش جامعه در رشد اخلاقی افراد توجه دارند. در حالی که پژوهش حاضر از مطالعات تحلیلی است و برای رصد راهکارها، به تبیین عوامل و موانع می‌پردازد و توصیف، از دایره تخصص این مقاله خارج است.

اخذ رویکرد تحلیلی، توجه به تحلیل عوامل و تمرکز بر جامعه ایران از خصوصیات پژوهش حاضر است. اگرچه مبحث بر جامعه ایرانی محدود شده، تحلیل فلسفی عام است و شاید در بعضی از موارد شامل انواع جوامع باشد. علت محدود کردن تحقیق به جامعه ایران، وقوف نویسنده بر مسائل جاری در فرهنگ خودی است که تحلیل را برای وی ملموس می‌سازد. اخلاق اجتماعی صرفاً در باورداشت‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای فردگرایانه بین شخصی خلاصه نمی‌شود، بلکه دربرگیرنده اخلاق جامعه‌نگر است که این اخلاق نیز خود شامل ساختارهای اجتماعی، ارکان و نهادهای جامعه و هویت جمعی است (Kolb, 2008, p.1968).

مسئله مقاله، توسعه اخلاق در سطح جامعه‌نگر است که البته دربرگیرنده روابط بین شخصی است. در عنوان مقاله عبارت «راهکارهای مؤثر» آمده است که مقصود، پرهیز از آوردن واژه‌های «ضروری» یا «لازم و کافی» و اجتناب از ادعای ارائه نقشه‌ای جامع است. تحلیل فلسفی عوامل و راهکارها می‌تواند زمینه‌ای برای گام‌های عملیاتی و پژوهش‌های تجربی پسین باشد. در این مقاله، واژه‌های تغییر، اصلاح، تحول، رشد و توسعه با قطع نظر از تعاریف متفاوت آن‌ها به یک معنا استعمال



می‌شوند. در تحلیل عوامل رشد اخلاقی جامعه، گام‌های دانش و انگیزش تفکیک شده است. همچنین، در مقام تبیین به بعضی از موانع نیز اشاره شده است که رفع آن‌ها از عوامل رشد محسوب می‌شود.

۱. راهکارهای مؤثر در ساحت شناختی: انگاره، دانش، آموزش

۱-۱. طرح دقیق مسائل:

در جامعه ایرانی، با انواع تحلیل‌های وضعیت اخلاقی مواجهیم که دچار ضعف در مقام مسئله‌محوری هستند. تحلیل مسائل، خود به منزله گامی در مسیر رشد است:

۱. امکان تغییرپذیری: آیا تغییر رفتار گروه‌های اجتماعی و خصلت‌های جمعی ممکن است؟

۲. ابعاد و مصادیق رشد اخلاقی: اخلاق اجتماعی در چه ساحت و مصادیقی نمود می‌یابد؟ آیا فراتر از اصلاح روابط بیناشخصی افراد، می‌توان از اصلاح اخلاق جمعی سخن گفت؟

۳. سنجه و شاخصه‌های رشد اخلاق اجتماعی؟

۴. پرسش از مقام تحقق: این مسئله، جامعه‌شناختی و از جنس توصیف است و ترسیم‌کننده وضعیت موجود در مقابل وضعیت آرمانی است؟

۵. چگونگی فرایند تغییرات اجتماعی در حوزه اخلاق؟

۶. مقام تبیین (علت‌یابی) که شامل چند مسئله است: الف) علل شکاف بین وضعیت کنونی و وضعیت آرمانی چیست؟ (آسیب‌شناسی علی)؛ ب) عوامل تغییرات اجتماعی کدام‌اند: تغییرات جمعیتی، تغییر در نظام ارزش‌ها یا فناوری؟ ج)

چه عواملی زمینه‌ساز رشد اخلاقی می‌گردد؟ (این مسئله، موضوع تحقیق حاضر در جامعه ایرانی است)؛



۷. راهکارهای دستیابی به رشد اخلاقی؛

۸. برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی؛

۹. نهادینه‌سازی و پایدارسازی.

۱-۲. توجه به اخلاق جامعه‌نگر و ساختارهای اجتماعی:

اندیشمندان در قبال مسئله اصالت فرد یا جامعه، سه نوع رویکرد داشته‌اند: الف) اصالت فرد؛ نزد اندیشمندانی چون فارابی (۱۴۰۵ق، ص ۲۴)، مصباح یزدی، مارکس وبر، جان استورات میل (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۸۴)؛ ب) اصالت جامعه؛ نزد کسانی چون اقبال لاهوری، هگل، آگوست کنت (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۱)؛ ج) اصالت فرد و جامعه؛ نزد عالمانی چون خواجه طوسی (۱۳۸۷، ص ۲۵۵)، علامه طباطبایی (۱۳۷۱، ج ۴: ص ۹۵)، شهید مطهری (۱۳۸۵، ج ۲: ص ۳۳۹) و دورکیم (حیدری و سرحدی، ۱۳۹۲).

با قطع نظر از مباحث حقیقت‌شناختی، هیئت متشکل از مجموع افراد، دارای خصلت‌هایی است که از ساختار، نوع چینش و هماهنگی افراد آن حاصل می‌شود؛ نظیر اجزای جورچین که در عین سلامت تک‌تک اجزاء، نظم چینش آن در ترکیب منظم ساختار آن اهمیت دارد. ساخت اجتماعی، با محیط درونی و بیرونی خویش در ارتباط است. اخلاق، در مقیاس و سطح جامعه به معنی یک کل سازمان‌یافته است که چنین مجموعه‌ای، دارای نوعی فرهنگ جمعی، آرمان، اهداف، اصول اخلاقی، شیوه تعامل، خصلت‌ها و خلق اجتماعی است.

فهم ناقص از اخلاق اجتماعی، آن را به رشد اخلاقی در روابط بین شخصی فرومی‌کاهد، در حالی که چنین رشدی از شاخصه‌های رشد اخلاقی است. تأکید بر اخلاق جامعه‌نگر، به معنی بی‌توجهی به کارگزاران تغییر (افراد) و ساختارگرایی (structuralism) و پذیرش جبر جامعه نیست. هابرماس، ریچارد رورتی، پیربوردیو، ری بسکار، آندرو سائر، آنتونی گیدنز و... به نظریاتی در قالب نقش توأمان فرد و





جامعه دست یافته‌اند (حقیقت، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). در سنت فلسفی، راینهولد (۱۳۸۹، ص ۶) و خواجه طوسی (۱۳۸۷، ص ۲۵۵) نمونه‌هایی از باورمندان به اخلاق جامعه‌نگرند.

۱-۳. اصلاح فرد همگام با اصلاح جامعه:

علاوه بر پرسش از هویت جامعه، پرسش از تقدم و تأخر اصلاح کنشگران و اصلاح جامعه‌نگر نیز قابل طرح است. «اصلاح خود قبل از اصلاح جامعه»، شعار رایجی است که باید آن را بررسی کرد: الف) اگر مقصود از این بیان، توصیه‌ای اخلاقی مبنی بر اهمیت توجه به خود، پیش از قضاوت و توصیه به دیگران است، با این بیان هم‌رایم. در فرهنگ اسلامی، اگرچه بر نظارت همگانی در قالب امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است (توبه: ۱۷، آل عمران: ۱۰۴)، مبانی اخلاقی‌ای دارد که یکی از آن‌ها «اصلاح خود پیش از اصلاح جامعه» است: «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟» (بقره: ۴۴؛ ب) اگر مقصود از این جمله که «جامعه چیزی جدا از مجموع افراد نیست»، نفی هویت جمعی جامعه است، باید گفت این نظریه مورد پذیرش همه اندیشمندان نیست؛ ج) در تصویری دیگر، جامعه، هویت دارد و این شعار، صرفاً تأکید بر تقدم زمانی-رتبی اصلاح فرد برای اصلاح جامعه است.

در این زمینه سه نظریه مفروض است: ۱) تقدم اصلاح فرد: به اعتقاد ارسطو، «تعلیم و تربیت فردی مقدم است بر تعلیم و تربیت عمومی» (ارسطاطالیس، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۲۴۳؛ ۲) تقدم اصلاح جامعه: رویکردهای رفتاری، اخلاق را محصول تحمیل خارجی می‌دانند. بنابراین، به جای تأکید بر مؤلفه‌های درونی، بر جامعه تأکید دارند (کیلن و اسمتانا، ۱۳۸۹، ص ۴۰؛ ۳) اصلاح تئومان فرد و جامعه: بی‌شک رشد اخلاقی افراد یک جامعه، در میزان رشد اخلاق اجتماعی مؤثر است (ر.ک: لاور، ۱۳۷۳، ص ۸۰). بر اساس دیدگاه‌های تعاملی، جامعه نیز



به منزله عاملی بیرونی، در کنار دیگر عوامل درونی نظیر رشد شناختی و عاطفی (piaget, 1984, p.41-42)، وراثت، ژنتیک، جنسیت (Gilligan, 2003, p.2) و شرایط بدنی (Damasio, 2003, p.173) در رشد اخلاقی افراد مؤثر است. جامعه ممکن است شامل خانواده، هم‌سالان، دوستان، مدرسه، رسانه‌های جمعی، ادیان و مذاهب، کشور و... باشد.

جامعه می‌تواند از طریق القای قوانین و هنجارها، سرمشق‌های اخلاقی، الگودهی، متقاعدسازی، الزام اجتماعی، تعلیم و تربیت، تجارب و شهود اجتماعی، روش‌های انضباطی، تجارب از پیامدهای محیطی، مشوق‌ها، تنبیه و القای حس مسئولیت‌پذیری و همدلی، در رشد اخلاقی یک فرد سهمیم باشد. علامه طباطبایی به تأثیر جامعه بر افراد توجه داده است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۴: ص ۹۷). البته چنین تأثیری، موهم «جبر اجتماعی یعنی محال‌بودن اصلاح افراد، بدون اصلاح جامعه نیست» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲: ص ۳۴۸). برای توسعه اخلاقی، باید به شکوفایی توأمان فرد (توسعه فردی) و جامعه (توسعه اخلاقی) نظر کرد. در مقام فردگرایانه، می‌توان راهبردهایی ذکر کرد؛ از جمله: ۱. واکاوی درونی و خودآگاهی؛ ۲. انگیزه تحول درونی؛ ۳. کسب خلق و خوی مثبت فردی و خودکنترلی؛ ۴. خردورزی و تفکر انتقادی؛ ۵. تغییر عادات و طرح‌واره‌ها؛ ۶. تمرین مهارت‌های ارتباطی نظیر مهار خشم، گفتگو، تحمل دیگری؛ ۷. تقویت هوش هیجانی و اخلاقی؛ ۸. نبودن شکاف بین شخصیت فرد با اظهارهای بیرون؛ ۹. خداباوری؛ ۹. توجه به سلامت روانی؛ ۱۰. نظارت همگانی؛ ۱۱. اهمیت به خانواده.

۴-۱. اخلاق اجتماعی: شبکه‌ای پیچیده از روابط درهم‌تنیده:

مصادیق اخلاق اجتماعی، حتی در حوزه زیست فردی، بسیار درهم‌تنیده است. هراندازه فرد، زندگی پیچیده‌تری داشته باشد، با شبکه‌ای وسیع‌تر از اخلاقیات سروکار دارد. زندگی خانوادگی، سطح برون‌گرایی شخصیتی، دایره دوستان و



آشنایان، محیط شغلی، فضای مجازی، شهروندی، روابط ملی و حتی بین‌المللی، از حیثه‌هایی است که سبب پیچیدگی اخلاق اجتماعی است. تنوع زبانی انسان نیز (زبان گفتاری، زبان بدن، کنش‌های نمادین غیر کلامی انتقال هیجان‌ها، «لایک» در فضای مجازی) بر پیچیدگی اخلاق می‌افزاید. از سوی دیگر، به‌زای هر بخشی از ساختار جامعه (نهاده‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها، انواع حرفه‌ها)، اخلاق اجتماعی به‌نحو سازمانی^۱ نیز وسعت می‌یابد و البته بالاتر از آن، مصادیقی است که به وسعت خود جامعه طرح می‌شوند؛ نظیر عدالت، اعتماد، کرامت و عزت ملی. شبکه‌ای عظیم از روابط، اخلاق اجتماعی را به یکی از پیچیده‌ترین امور تبدیل کرده است که برنامه‌ریزی برای آن، بدون توجه به این شبکه در هم تنیده ممکن نیست. در این باره می‌توان عوامل زیر را مطرح کرد:

الف) اخذ رویکرد راهبردی: دولت‌سکان‌دار سیاست‌گذاری اخلاقی

دولت در جهان معاصر عامل مهمی در پدیدآوردن بسیاری از دگرگونی‌هاست. «هیچ کشوری در جهان معاصر یافت نمی‌شود که تنها بر اساس فعالیت بخش خصوصی قدم در مسیر توسعه گذاشته باشد» (لاور، ۱۳۷۳، ص ۵). همان‌طور که دولت‌سکان‌دار بخش‌های مختلف اقتصادی، سلامت، آموزش و کشاورزی است، باید علاوه بر ایجاد سازکار، بودجه و برنامه‌ریزی راهبردی، بر اجرا و ارزیابی تحولات اخلاقی نیز نظارت کند.

«مدیریت استراتژیک با (۱) برنامه‌ریزی استراتژیک، (۲) برنامه‌ریزی عملیاتی و اجرای استراتژی‌ها و (۳) کنترل مداوم، امکان این امر را فراهم می‌کند» (فرد آر، ۱۳۷۹). نظام جمهوری اسلامی ایران، با طراحی ساختارها و سازمان‌های فرهنگی و تنظیم سیاست‌های فرهنگی^۲، گام‌های مؤثری در زمینه توسعه فرهنگی برداشته است. وقت

۱. برای مثال: اخلاق پزشکی، اخلاق پلیس، اخلاق سازمان‌های مردم‌نهاد، اخلاق مددکاری و اخلاق رسانه.

۲. در برنامه‌های توسعه ملی و سند سیاست‌های توسعه فرهنگی مصوب سال ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

آن است که با توجه به پیچیدگی‌های امروزی اخلاق اجتماعی، سیاست‌گذاری اخلاقی نیز به‌طور راهبردی پیگیری شود.

ب) جدول ارزش‌های جامعه با رویکردی کاربردی

شناخت مصادیق رفتار اخلاقی، از اولین گام‌ها برای رشد اخلاقی است؛ فرد زمانی می‌تواند در روابط گروه‌های فضای مجازی، اخلاقی عمل کند که به مصادیق فعل اخلاقی و غیر اخلاقی آن آگاه باشد. فهرست کاملی از مصادیق اخلاق اجتماعی، نمایانگر وضعیت آرمانی ترسیم‌شده در آن جامعه است. از آنجا که برنامه‌ریزی رشد، به تحلیل عوامل ایجاد شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت آمانی منوط است، ترسیم وضعیت آرمانی ضرورت دارد. به سبب پیچیده‌شدن روابط اجتماعی، امروزه به ارائه جدولی روزآمد از اخلاقیات اجتماعی نیازمندیم. نکته دیگر، ضرورت بازطراحی فضایل و رذایل اجتماعی با رویکردی کاربردی است.

پ) آسیب‌شناسی وضعیت کنونی: مه‌جوربودن مطالعات «ملی» جامعه‌شناختی در اخلاق

در برنامه‌ریزی رشد، شناخت دقیق وضعیت اخلاقی کنونی جامعه ضرورت دارد. دستیابی به این امر با پژوهش‌های میدانی، افکارسنجی، واقع‌سنجی و ارزیابی‌های مستمر میسر می‌شود. ضعف مطالعات میان‌رشته‌ای و فاصله سیاست‌گذاری‌های فرهنگی از پژوهش‌های دانشگاهی، مانع استفاده از ظرفیت‌های کشور در درک وضعیت کنونی است. در کشور ما مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس، وزارت فرهنگ و ارشاد، پژوهشگاه‌ها و... به پژوهش‌هایی در باب تحلیل وضعیت و آسیب‌شناسی فرهنگی می‌پردازند. البته سهم اخلاق در میان دیگر امور فرهنگی قابل بحث است. پژوهش‌های دانشگاهی، زمینه خوبی برای تحلیل وضعیت کنونی فراهم می‌کنند. «ما ایرانیان» از مقصود فراستخواه،





«جامعه‌شناسی اخلاق (تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی در جامعه ایران)»، از ابراهیم حاجیانی، «از ماست که بر ماست؛ نقدی بر رفتارهای اجتماعی ما ایرانیان» از رضا بهرام‌پور، از این مواردند.

مطالعات جامعه‌شناختی اخلاق، باید توسط سازمانی وابسته به دولت، به‌نحو نظام-مند و در سطح ملی صورت گیرد تا (۱) از موازی‌کاری و هدررفت سرمایه‌ها جلوگیری شود، (۲) به‌نحو میان‌رشته‌ای از اندیشمندان حوزه‌های مختلف در رفع معضلات استفاده شود و (۳) با هدفمند کردن پژوهش‌های دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و (۴) ارتباط‌گیری واقعی (نه صرفاً تفاهم‌نامه) سیاست‌گذاران با دانشگاه‌ها، به شناخت دقیق وضعیت کنونی و آسیب‌شناسی اخلاقی منجر شوند.

ت) شاخص و ملاک‌های ارزیابی:

ملاک، استاندارد خاص برای یک پدیده است که قابلیت ارزیابی و ارزش‌گذاری شرایط را در ارتباط با اهداف، نتایج و پیامدها به وجود می‌آورد. البته در باب پدیده‌های اخلاقی، می‌توان علاوه بر نتایج، شاخص‌هایی برای پیش‌زمینه‌های رفتارهای اخلاقی نیز ارائه کرد. استخراج سنجه‌های کلیدی و حیاتی رشد اخلاقی جامعه، دشوار است. مطالعه شاخص‌های مختلف رفتار و توسعه اخلاقی، به‌دلیل نزدیکی مرز بین اخلاقیات، باید جزئی و حتی مختص یک رفتار باشد. این مطلب را هارت شورن، می و شاتلسورث نیز تلویحاً در تحقیقی بیان کرده‌اند (کیلن و اسمتانا، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۸۴۴).

ث) نیازسنجی و اولویت‌سنجی:

توزین اهداف بر اساس اولویت‌ها و نیازها، پس از احصای ارزش‌ها و آسیب‌شناسی واقع‌بینانه، ضروری است. مسلماً در آغاز حرکت در مسیر رشد اخلاقی، با مسائل و معضلات بسیاری مواجه خواهیم شد که با توجه به کندی تغییرات، لزوم صبوری و

محدودیت امکانات، فقط می‌توان بر اساس نیازسنجی و اولویت‌سنجی واقع‌گرا، مواردی را در هر گام برگزید.

ج) چندصدایی و برخوردار نبودن از روایتی واحد درباره اخلاق:

توجهات و تبصره‌های مختلف در فرهنگ، عرف و فقه (نظیر قاعده دفع افسد به فاسد)، سبب دشواری تصمیم‌گیری درباره مسائل مختلف و پیچیده در جامعه می‌گردد؛ زیرا قضاوت‌های اخلاقی جامعه ممکن است با چندین معیار متعدد در یک واحد زمانی و یک مصداق معین شکل بگیرد که نتیجه آن چیزی جز اختلاف نظر عمومی درباره امر اخلاقی نیست. تغییر ارزش‌های اخلاقی با گذشت زمان نیز به تغییر زوایای اخلاق و سخت‌یابی معیارهای آن می‌انجامد. بنابراین، تلاش برای ایجاد سیاست‌هایی شفاف که با بندها و ارزش‌های دیگر نقض نشود و راه را برای قضاوت اخلاقی هموار سازد، ضروری است.

چ) تغییر ارزش‌های اخلاقی: پیمایش ملی ارزش‌ها:

ارزش‌های هر جامعه به منزله نوعی باورداشت، بر جهان‌بینی و باورهای پایه و اساسی مبتنی است. تغییر در باورهای بنیادی تر موجب تغییر در ارزش‌ها و به دنبال آن، تغییر رفتاری می‌شود. جهان‌بینی مردم فقط به آنچه بزرگ‌تره‌ایشان به آن‌ها می‌آموزند بستگی ندارد، بلکه با تجارب زندگی خودشان شکل می‌گیرد و «گاهی تجارت یک نسل عمیقاً با تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است» (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۲).

در تغییر فرهنگی، تطابق با محیط بیرونی و انواع دگرگونی‌های اجتماعی (تغییرات اقتصادی، فناوری، سیاسی و...) و وحدت درونی با آن‌ها اهمیت دارد. جایگزینی جمعیت (تغییر نسلی) نیز بر دگرگونی ارزشی تأثیر می‌گذارد (همان، ۱۱۱). البته اگرچه مسائل اقتصادی، رشد فناوری و... به تغییرات ارزشی می‌انجامند،





«جبری در کار نیست» (لاور، ۱۳۷۳، ص ۱۱). ارزش‌های اخلاقی، آداب اجتماعی، هنجارها، ارزش‌های دینی-اعتقادی و اولویت‌های زندگی (ارزش‌های مادی/ فرامادی) از انواع ارزش‌های فرهنگی‌اند. بر اساس تحقیقات جامعه‌شناسان «ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، نسبت به سایر ارزش‌ها، از میزان قابل توجهی پایداری برخوردارند» (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶-۲۱۰).

تغییر ارزش‌ها تک‌عاملی نیست. بعضی از عوامل خود از سنخ امور فرهنگی‌اند و برخی دیگر، خارج از حوزه فرهنگ‌اند. «نقش تغییرات اقتصادی، تکنولوژی و تغییرات اجتماعی-سیاسی در تغییر فرهنگی جوامع، مثلاً در نوع نگرش به سقط جنین، هم‌جنس‌بازی و اهمیت به خانواده اثبات شده است» (همان، ص ۱).

از عوامل فرهنگی مؤثر در تحول ارزش‌ها می‌توان از موارد زیر نام برد: تغییر در سبک زندگی، استفاده از امکانات ارتباطی جدید (اینترنت/ فضای مجازی)، رسانه‌های جمعی، تبلیغات، گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، توسعه شهرنشینی و آموزش عالی، ظاهرگرایی صرف، ازبین‌رفتن روحیه جوانمردی، تقلید از سلبریتی‌ها و الگوپذیری، مد، بی‌توجهی به دین، ناهماهنگی شناختی بین بعضی از ارزش‌ها و علوم روز و گسترش ینش مادی-اقتصادی. تغییر ارزش‌ها ممکن است به اشکال مختلفی باشد: بی‌توجهی، فراموش شدن و حذف شماری از ارزش‌ها، تغییر اولویت‌ها در ترتیب ارزشمندی ارزش‌ها، بی‌معنایی و تهی شدن ارزش بر اساس تغییرات در سبک زندگی نوین، روزآمدسازی با توجه به مصالح زندگی نوین و قرار گرفتن ضد ارزش‌ها به جای ارزش‌ها.

تغییر ارزش‌ها، گاه حتی می‌تواند مثبت و در جهت توسعه باشد (نظیر پویش‌های مردمی اخلاق محیط‌زیست) و در بعضی مواضع، ممکن است ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد. گاهی هم این تغییر (مثلاً در جایگزینی ضد ارزش به جای ارزش) در معرض آسیب‌های مختلف است. هر تغییر ارزشی را در جامعه نباید بحران تلقی کرد، بلکه قبل از هرگونه موضع‌گیری، پیمایش دقیق از ارزش‌ها و



کیفیت تغییرات ضروری است. حساسیت بیش از حد به ارزش‌های نسل‌های گذشته، به‌ویژه در باب آداب و رسوم اخلاقی، جز ایجاد شکاف و تضادهای بین‌نسلی فایده‌ای ندارد. خواجه طوسی می‌گوید: «آداب از حد حصر متجاوز باشد و به‌حسب اوضاع و اوقات مختلف شود، اما برای عاقل فاضل که قوانین و اصول افعال جمیله ضبط کرده باشد، رعایت شرایط هر کاری به‌جا و به‌وقت خویش دشوار نبود» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶).

در مواردی که تغییر اجتناب‌ناپذیر است و مانعی از حیث هویت بومی - اعتقادی در مقابل آن نیست، باید بر اساس تغییرات اجتماعی، فعالانه در بازسازی ارزش‌ها کوشید و آشفتگی‌های اجتماعی را با توجه به فرهنگ بومی رفع کرد. ارزش‌ها باید در جامعه چنان اولویت داشته باشند که قادر به ایجاد انگیزه‌ای قوی برای کنش‌های مثبت اجتماعی شوند.

این مهم زمانی محقق می‌شود که به مخاطب سیاست‌گذاری‌ها توجه گردد؛ مقصود، مشارکت فعالانه در بازنمایی ارزش‌ها، کاربردی‌سازی آن بر اساس کاربست انتقادی - تحلیلی در موقعیت‌های معین و مصداق‌های عینی این‌زمانی است. مسلماً آنچه جامعه باید به آن واکنش صحیح و عالمانه نشان دهد، مسخ ارزش‌ها و نشستن ضد ارزش‌ها به‌جای ارزش‌هاست.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

«مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان آن نماند و از اسلام جز نام آن» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱).

بنابراین، با پیمایش ملی چندسال یک‌بار از ارزش‌های اخلاقی، می‌توان از وضعیت دقیق ارزش‌ها در جامعه آگاه شد و سپس، با بررسی مصادیق، به‌طور برنامه‌ریزی‌شده‌ای موضع‌گیری کرد. پیمایش ملی ارزش‌ها سبب می‌شود شکاف بین ارزش‌های رسمی و ارزش‌های غیررسمی جامعه را بسنجیم و برای پرکردن این شکاف برنامه‌ریزی کنیم.

۱-۵. ارزیابی ضریب تأثیرگذاری عوامل و موانع:

در برنامه‌ریزی رشد اخلاقی جامعه (۱) رصد عوامل و موانع مختلف (پرهیز از تحویلی‌نگری)، (۲) پژوهش تجربی درباره نحوه تأثیر این عوامل، (۳) سنجش نسبت و وابستگی عوامل به یکدیگر و ارتباطات متقابل آن‌ها و (۴) بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل ضرورت دارد. توزین عوامل، به معنی بی‌توجهی به دیگر عوامل نیست، بلکه عوامل مختلف باید هماهنگ با هم تحول یابند تا با تکیه بر عوامل درونی، امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی درباره تحولات بیرونی فراهم گردد. جدول (۱)، عواملی را نشان می‌دهد که تأثیر آن‌ها بر رشد اخلاقی قابل ملاحظه است؛ به گونه‌ای که انجام پژوهش‌های تجربی درباره ضریب تأثیرگذاری این عوامل ضرورت دارد.

جدول (۱): عوامل و موانع رشد اخلاقی

عوامل و موانع		ردیف
خودباوری و اعتماد به نفس ملی، همدلی، بسیج همگانی، مشارکت اجتماعی، کنترل اجتماعی، فرهنگ تلاش و مسئولیت‌پذیری، امنیت، نظارت همگانی، جوانی جمعیت، اعتماد، اعتبار هنجارهای اجتماعی، خشونت‌گرایی یا هم‌بستگی، تعلق اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی و نزاع‌های درونی	عوامل اجتماعی	۱
برنامه راهبردی، بودجه، سهم دادن به مراکز علمی در سیاست‌گذاری، جناح‌گرایی، سیاست‌زدگی، قوانین، روش‌های انضباطی-کنترلی، ارزیابی‌های ملی و قانون‌مداری	عوامل سیاسی و اجرایی	عوامل ساختاری





عوامل و موانع		ردیف
<p>هویت فرهنگی، شکاف با سنت‌ها، ارزش‌های مادی/ فرامادی، ارزش‌های اخلاقی، تبلیغات، فناوری، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، فضای مجازی، آزادی فرهنگی، آموزش و پرورش، سرانه مطالعه، مصرف‌گرایی و مدگرایی، فقدان خردمداری جمعی، گسترش دانشگاه‌ها</p>	عوامل فرهنگی	
<p>فساد اقتصادی، عدالت و امنیت اقتصادی، توسعه اقتصادی</p>	عوامل اقتصادی	
<p>انگیزه، شخصیت، توسعه فردی، هوش هیجانی، هوش اخلاقی، دیگرخواهی، باورداشته‌ها، آرمان‌ها و بینش، آرزوها و اهداف، ایمان، تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری، عوامل زیستی و ژنتیکی و سرشتی، خلق و خو و وجدان</p>	عوامل درون-فردی	۲ عوامل فردی
<p>وضعیت شغلی-درآمدی و فقر، وضعیت معیشتی، سلامت جسمی و روانی، ارزش‌های خانوادگی، بیکاری، قوم و نژاد، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات</p>	عوامل برون-فردی	
<p>وابستگی فرهنگی، تبادلات فرهنگی، مهاجرت نخبگان، رسانه‌های فرامرزی، برنامه‌های نظام سرمایه‌داری، جهانی‌شدن و نزاع‌های بین‌المللی</p>	عوامل بیرونی	۳

۱-۶. آموزش اخلاق: تجهیز شناختی کنشگران و ایجاد شعور جمعی

اندیشه‌ها، باورداشته‌ها و شناخت، تأثیر اثبات‌شده‌ای بر رفتار دارند. فلاسفه (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۵۷) و روان‌شناسان (Kohlberg, 1969, p.350) از جنبه فردی و جامعه‌شناسان (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۴۱۸) از جنبه جمعی، تأثیر رشدشناختی بر رشد اخلاقی را بررسی کرده‌اند. البته «تغییر ایده یا رفتار عده



معدودی از افراد جامعه نمی‌تواند به‌عنوان یک تغییر اجتماعی پذیرفته شود، مگر اینکه این تغییر ایده یا طرز برخورد و تلقی در سطح بسیار وسیعی صورت پذیرد» (روشه، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

تأثیر اندیشه‌ها به چند طریق مفروض است؛ ۱) بازداری و مانع شدن، ۲) کندسازی تغییرات، ۳) تسهیل دگرگونی از طریق ایجاد مشروعیت، انگیزه‌مند کردن افراد و ۴) جهت‌دادن به دگرگونی‌ها (لاور، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸-۱۳۰). برای مثال، خداباوری، خودباوری فردی و جمعی و واکاوی درونی، از عوامل توسعه اخلاقی محسوب می‌شوند یا مثلاً نگرش‌های مردسالارانه، ظاهرگرایی افراطی یا برخی مسائل حل‌نشده فلسفه اخلاق، مثل نیهیلیسم اخلاقی، مانع توسعه اخلاقی هستند. تجهیز شناختی از طریق آموزش رسمی عمومی یا رسانه‌های جمعی و یا با افزایش مهارت‌های شناختی نظیر قضاوت اخلاقی و تفکر انتقادی صورت می‌پذیرد. در قرآن کریم، جهل عامل ضلالت و دانایی عامل هدایت خوانده شده است (نمل: ۵۵، اعراف: ۱۷۹). همچنین، رشد مهارت‌های عقلی، از عوامل مؤثر در رشد اخلاقی است (حشر: ۱۴، یونس: ۱۰۰، انعام: ۱۵۱-۱۵۲). در این زمینه می‌توان نکات زیر را بررسی کرد:

الف. سرمایه‌گذاری بر کودکان:

جامعه‌پذیری در سال‌های ابتدایی زندگی و قبل از بلوغ، در مقایسه با بزرگسالی، اهمیت بیشتری دارد. «شواهد زیادی حاکی از این است که احتمال آماری دگرگونی شخصیت پایه، پس از بزرگسالی، کاهش می‌یابد» (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۷۶).

ب. سهم آموزش و پرورش عمومی:

۱) مدرسه و دانشگاه، علاوه بر آموزش اخلاق باید پرورش اخلاقی و خودشکوفایی را هدف خود تلقی کنند. خواجه طوسی هدف از تربیت را نیل به مدارج کمالی



انسانی می‌داند. (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). ارزیابی تجربی برون‌داد نظام آموزش و پرورش ایران، در ایجاد تحول اخلاقی دانش‌آموزان می‌تواند جزء اولین گام‌ها در تصحیح روند تربیت اخلاقی قلمداد گردد.

۲) آموزش اخلاق به آموزش‌هایی گفته می‌شود که مدرسه و جامعه با هدف کمک به افراد برای فکر کردن به امور خوب و بد، متمایل شدن به خیر اجتماعی و رفتار اخلاقی ارائه می‌دهند. در این باره، تبیین چند نکته اهمیت دارد: یکم) بررسی سهم و اولویت اخلاق در برنامه‌های آموزشی، در مقایسه با دیگر برنامه‌ها.

دوم) اهداف آموزشی که باید بر اساس سه‌ساحتی بودن ماهیت اخلاق، آموزش اخلاق نیز هر سه وجه شناختی، گرایشی و رفتاری را مدنظر قرار دهد. «برنامه‌های آموزشی باید با ایجاد زبان عاطفی و انگیزش و تغییر نگرش و دانش و یافتن مهارت رفتاری، موجب افزایش توانایی فرد در بروز رفتار اخلاقی شوند» (فرامرزی قراملکی و نوچه فلاح، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷؛ باقری، ۱۳۷۷، ص ۱۱).

سوم) محتوای مناسب با فرهنگ خودی از حیث اعتقادی و فلسفی و سنجش آن که با نتایج علوم نوین نظیر علوم روان‌شناختی و عصب‌شناسی سازگار است. چهارم) توجه به روش آموزش اخلاق: آموزش‌های مستقیم، موعظه‌محور (خسروی و باقری، ۱۳۸۷) و حفظ طوطی‌وار و شب امتحانی، در رشد اخلاقی کافی نیست. البته این به معنی بی‌اثربودن آموزش‌های مستقیم نیست.^۱

آموزش‌های مستقیم آسیب‌هایی به همراه دارد که حتی در بعضی موارد (نظیر هم‌سو نبودن رفتار معلم با محتوای آموزشی) می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.^۲ در برنامه درسی اخلاق نباید کتاب درسی، به پایان بردن سرفصل، کمیت درس و امتحان

۱. فرید و همکارانش، آموزش مستقیم را در قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان مؤثر یافته‌اند (فرید و دیگران، ۱۳۸۷).

۲. در مضامین اسلامی نیز بر این امر تأکید شده است: «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکونوا دعاة الناس بالستکم؛ مردم را با عمل خود به نیکی‌ها دعوت کنید، نه با زبان خود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ص ۱۹۸).



اصل باشد. پیگیری برنامه‌های «فبک»^۱ به منزله رویکردی عقل‌گرا با هدف رشد مهارت‌های استدلال منطقی و سطح قضاوت اخلاقی، طرح معماها و موقعیت‌های داستانی، تفکر انتقادی، گفتگوی گروهی آزاد و بالابردن سطح مشارکت، در قالب بخشی از فرایند آموزشی (نه کل آن) می‌تواند مؤثر باشد (لیپمن و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۶).

آموزش غیرمستقیم اخلاق بر اساس تأکید بر سرود، قصه‌گویی، داستان، شعر، هنر، بازی‌ها، استفاده از پویانمایی، اجرای نمایش کلاسی و... با هدف تهییج عواطف و آموزش ضمنی (الگوگیری از رفتار مری) تأثیرگذار است. پنجم) توجه به تفاوت نسلی و درک ویژگی‌های خاص هر دهه اهمیت دارد. بی‌توجهی به ماهیت عجین با فناوری نسل نو، می‌تواند خللی در آموزش مناسب به این نسل باشد. تحلیل و ارزیابی تجربی وضعیت عقل‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، امید اجتماعی و اعتماد در نسل جدید، در تدوین محتوای آموزشی مناسب با هر دهه، بر اساس خلأهای نگرشی، انگیزشی و رفتاری مهم است.

۳) علاوه بر آموزش عمومی، الزام قانونی به آموزش اخلاق حرفه‌ای، برای شاغلان در حرفه‌ها و دانشجویان، گامی مهم تلقی می‌شود.

ج. رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌های جمعی رسمی مثل تلویزیون، سینما، رادیو و وبگاه‌ها با برخورداری از شمار انبوه مخاطبان و توزیع سریع، در رشد اخلاقی جامعه از طرق گوناگون مؤثر و سازنده‌اند: ۱) آموزش مستقیم و غیرمستقیم ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی، ۲) استانداردسازی باورداشت‌ها، ۳) ایجاد دغدغه‌مندی و یگانگی عاطفی، ۴) تکرار هنجارها، ۵) تأکید بر ارزش‌های فرامادی، ۶) ارائه تصویری صحیح از هویت

۱. فلسفه برای کودکان.



ملی، ۷) الگودهی و نمادسازی، ۸) ایجاد فضای همدلی و هم‌بستگی ملی، ۹) تحلیل مستند آسیب‌های اخلاقی، ۱۰) ایجاد پویش‌های ملی، ۱۱) به‌روزرسانی فعالانه فرهنگ بومی، ۱۲) ایجاد فضای مشارکت عمومی و غیره. البته رسانه‌ها می‌توانند در سیر منفی تغییرات اخلاقی نیز نقش پررنگی داشته باشند (نظیر ترویج نیهیلیست اخلاقی، ظاهرگرایی افراطی، ایجاد شکاف‌های طبقاتی و آسیب‌های رفتاری). نکته مهم، سهم اخلاق در سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای است. می‌توان در انواع برنامه‌های آموزشی، خبری و سرگرمی، برای نهادینه‌سازی اخلاق سهمی قائل شد. رسانه‌ها برای آموزش اخلاق می‌توانند از هم‌فکری گروه علمی مشاوره اخلاق، در برنامه‌های پرمخاطب تلویزیونی نظیر سریال‌های پرمخاطب و مجموعه‌های طنز بهره بگیرند. آموزش اخلاق با استفاده از قدرت نخبگان تلویزیونی یا ساخت تبلیغات (در قالب پویانمایی و...) بیشتر از هر نوع آموزش دیگری اثربخشی دارد. با وجود تصورات رایج درباره تأثیرات منفی فضای مجازی، مصلحتی و حاجیانی در پژوهشی تأثیر سازنده فضای مجازی را بر رفتار همدلانه دانشجویان دانشگاه تهران گزارش کرده‌اند (مصلحتی‌نیک و حاجیانی، ۱۳۹۶، ص ۳۳۱).

۲. مقام انگیزش و اراده جمعی

انگیزه، علت رفتار است و حاصل مجموعه‌ای از نیازها، فشارها [مشوق‌ها]، خواسته‌ها، هیجان‌ات و آگاهی‌هایی است که شخص را به حرکت وامی‌دارد (روشه، ۱۳۷۳، ص ۱۸۵). فلاسفه اسلامی در بحث از مقدمات فعل، به اهمیت داعی (انگیزه) و اراده (تصمیم) که برآمده از شناخت و هیجان‌ات است، اشاره کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۱). دانستن همیشه، سبب برانگیختن فرد برای انجام فعل نمی‌شود؛ انگیزه و اراده، از حلقه‌های گمشده میان «علم» و «عمل» است. نقش انگیزش در تغییرات اجتماعی جوامع در پژوهش‌های بسیاری روایت شده است (روشه، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸؛ لاور، ۱۳۷۳، ص ۸۸). در این باره مطالبی قابل طرح است:

۲-۱. جایگاه هیجان‌ها، عواطف و احساسات:

اندیشمندان به نقش هیجان‌ها و رابطه آن با دیگر مؤلفه‌های رفتار و رشد اخلاقی پرداخته‌اند. از آنجا که هیجان‌ها غالباً در مقایسه با بعد شناختی انسان مطرح است، در جدول (۲) دیدگاه‌های اندیشمندان مرور شده است. البته تعیین میزان تأثیر یا تقدم و تأخر عملکردی عواطف در مقایسه با دیگر عوامل یا بحث از فرایند تأثیر عواطف، موضوع این مقاله نیست.

جدول (۲): مرور دیدگاه اندیشمندان

رابطه عرضی	اولویت بعد عاطفی	اولویت بعد شناختی	اندیشمندان
طوسی (۱۳۸۷، ص ۲۵۸)	هیوم (Hume, 2006)	افلاطون ارسطاطاليس (۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۹) طوسی (۱۳۸۷، ص ۱۱۷) دکارت (Damasio, 1994)	فلاسفه
داماسیو (Damasio, 2003, p.240)	فروید (turiel, 1985, p.171) هافمن (Hoffman, 2000,) (p.250 هایت (Haidt, 2001, p.826)	پیاژه (piaget, 1948) کلبرگ (کیلن و اسمتانا، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۷۲) نوسباوم (Nussbaum, 1999,) (p.72	محققان علوم تجربی





بحث از عواطف، با رویکرد جامعه‌نگر نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بعضی از عواطف منفی نظیر خشونت اجتماعی، ترس از مجازات اجتماعی، تنفر و به‌تنگ آمدن از وضعیت قبلی و شماری از عواطف مثبت نظیر محبت در سطح کلان، هم‌بستگی اجتماعی، همدلی ملی، افتخار، عزت و کرامت ملی و اعتماد به نفس ملی می‌توانند در ایجاد انگیزش اجتماعی و اصلاح وضعیت کنونی دخیل باشند. برخی از موارد ممکن است خود یک بسته رفتاری باشد که علاوه بر داشتن بعد هیجانی، از بعد شناختی نیز برخوردارند، ولی از آنجا که غالباً این موارد مرتبط با هیجانات شمرده شده‌اند، آن‌ها را در این قسمت می‌آوریم. در این باب می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

الف) خودخواهی یا همه‌گرایی:

در سبک زندگی اسلامی، خودخواهی یا توجه صرف به خیر شخصی مذموم است و به توجه به دیگران (Concern of others) سفارش شده است. تأکید بر شفقت، هم‌دردی، همدلی، نوع دوستی، خیرخواهی، محبت، جود و سخاوت (حشر: ۹، اسراء: ۲۹)، احسان (نحل: ۹۰) و ایثار (حشر: ۹) نمودی از اهمیت دیگرگرایی است. مقصود از دیگرگرایی، دیگرگروی اخلاقی (Altruism)، یعنی بی‌توجهی و نفی منافع خودی نیست، بلکه در دیگرگرایی، همه‌گرایی که شامل منافع من و دیگران است، توأمان الگودهی می‌شود.

برنامه‌ریزی در رشد اخلاقی، به ایجاد حس دیگرگرایی در جامعه منوط است که به‌ازای هر یک از رفتارهای جامعه‌گرایانه (هم‌دردی، همدلی، محبت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی) باید تحلیلی از تمایز مفاهیم، شاخصه‌ها و عوامل رشد ارائه شود. علاوه بر روابط بیناشخصی، همه‌گروی اخلاقی را می‌توان در قالب الگوهای جمعی هم‌یاری (cooperative behaviors) و هم‌بستگی اجتماعی نیز ترویج داد. هم‌یاری و هم‌بستگی اجتماعی، با ایجاد اقدامات هم‌سو و هم‌مسیر در

قالب یک برنامه کلی، سبب جلوگیری از هدررفت انرژی هاست.

ب. مسئولیت‌پذیری اجتماعی:

مسئولیت‌پذیری به معنی دغدغه‌مندی برای سرنوشت خود، دیگران و جامعه است و با الزام اجتماعی که با قوانین سروکار دارد، متفاوت است (فرامرز قراملکی و نوچه فلاح، ۱۳۸۶، ص ۱۵). برنامه‌ریزی برای تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر، اساس توسعه همه‌جانبه کشور است. مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، در شکل‌گیری روحیه مسئولیت‌پذیر دخیل‌اند. در این زمینه «تجربه دوران کودکی، نقش خانواده، به‌ویژه مادران حیاتی است» (لاور، ۱۳۷۳، ص ۸۹؛ کیلن و اسمتانا، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۸۵۵-۸۵۹). کودکان بی‌اعتنا، ناامید، خودخواه و بی‌مسئولیت قادر به نقش‌آفرینی در توسعه جامعه نخواهند بود.

سطح انتظارات از کودکان، سطح مسئولیت‌پذیری خود مربی، تلاش برای بهبود روابط متقابل والدین و کودک و کنش خانواده و مدرسه، در این مسئله اهمیت دارد. همچنین، روابط صمیمی، عاطفی و حمایتی والدین، پیام‌های مستقیم شفاهی (بیان نگرش‌ها و اعتقادات)، اقتدار والدین، پذیرش و درک، دل‌بستگی ایمن، تشویق و... بر درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی فرزندان مؤثر است (کیلن و اسمتانا، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۸۵۵-۸۵۸). در مقابل، شیوه‌های انضباطی اعمال قدرت و تنبیه بر رفتارهای جامعه‌گرا تأثیر منفی می‌گذارد (همان، ص ۸۵۷).

معطوف بودن به دیگری، دارای مراتب است و از عدالت‌محوری تا درجات عالی نیکی‌محوری را در بر می‌گیرد. تلفیق الگوهای عدالت‌محور و نیکی‌محور، زمینه‌ای مؤثر در رشد اخلاقی است. عدالت در قالبی سلبی، مراقبت و جلوگیری از تضییع حقوق دیگران (ضرر رساندن به دیگران) است و در قالبی فعالانه، احقاق حقوق دیگران تلقی می‌شود. فراتر از مفهوم عدالت، رفتارهای جامعه‌گرا که هدف از آن‌ها منفعت رساندن به دیگری است، باید در جامعه اسلامی نهادینه شود. فراتر از عدل که



رعایت انصاف است، در اسلام به احسان (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱) و نیکی محوری سفارش شده است.

ج. روحیه نوع دوستی و محبت در جامعه (سطح جمعی و خرد):

نظام ارزشی، بازتاب جامعه پذیری شخص به ویژه در سال‌های اولیه زندگی است. «ارزش‌ها کمتر شناختی و بیشتر عاطفی بوده و نسبتاً پایدار هستند» (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۴۱۷). فعال کردن هیجان‌ات با ادبیات، هنر، موسیقی و... در خدمت هم‌بستگی ملی و به تبع آن توسعه اخلاقی ثمربخش است. در سبک زندگی اسلامی، نه تنها عصیت (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲) و اختلاف نهی شده است (همان، خطبه ۱۲۷)، بلکه به اصلاح ذات بین (نساء: ۱۱۴)، هم‌یاری، نیکی به دیگران (بقره: ۱۹۵) و اتحاد و مسالمت (انفال: ۱) و بالاتر از آن، به ترویج روحیه برادری و مهربانی بین مردم حکم شده است.

مسلمان با ایجاد چنین فضایی مثبتی، اخلاق به منزله پیامد چنین الگویی خودبه‌خود ظهور می‌یابد. در سطح خرد و در روابط بینافردی نیز عشق و محبت، عامل مهمی در بروز رفتارهای جامعه‌گرایانه است. محبت به کارمندان، متعلمان، خانواده و... مانعی برای بروز بداخلاقی‌های اجتماعی است. سیاست کلان رسانه‌های جمعی، ادبیات نخبگان سیاسی، دینی و فرهنگی می‌تواند در ترویج این روحیه نقش داشته باشد. از بین بردن موانع محبت ملی نظیر کینه و نفرت، خشونت‌های فکری، انحصارگری‌های عقیدتی و هنجاری، تعارض طبقاتی، بی‌عدالتی (حقوقی، آموزشی، تفریحی، اجتماعی) و خط‌کشی میان قشرهای مختلف و جلوگیری از فساد خواص، از عوامل مؤثر در ایجاد محبت ملی است.

۲-۲. روحیه اصلاح و پوییش (نه شورش):

در اصلاح، برخلاف انقلاب، وضعیت حاضر طرد نمی‌شود (روشه، ۱۳۷۳، ص ۲۹۰)؛



زیرا باورها، نظام ارزش‌ها و آرمان‌های افراد جامعه، تعارضات جدی و غیرقابل ترمیم ندارند و مشکلات به نحوه عملکرد در پاره‌ای از مسائل بازمی‌گردد. شورش، تفکر برچیدن و دوباره ساختن، با عصیان جمعی ناگهانی و با قصد دگرگونی کلی وضعیت (همان، ص ۲۹۱)، با افزایش هزینه‌های مادی و معنوی، مسیری انحرافی و سوق‌دهنده به سوی معضلات جدید است. در کشور ما، گاهی برخی افراد، تنها مسیر حل مسائل را اعتراضاتی با ماهیت عصیان و همراه با خراب‌کاری قلمداد می‌کنند؛ در حالی که در مواجهه با معضلات جزئی، چاره‌کار، نقد وضعیت و ایجاد فضای گفتگو، امیدداشتن به اصلاح و تغییرپذیری اجتماعی است.

۲-۳. امید جمعی برای تغییر و مشارکت اجتماعی:

اخلاق از جنس فرهنگ است و فرهنگ، یک نظام مشترک از باورها، عواطف و ارزش‌هاست که به‌طور اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین، بدون مشارکت تعمیم‌پذیر، انگیزه برخی از افراد جامعه، به رشد اخلاقی منجر نمی‌شود. عوامل زیادی در ایجاد روحیه مشارکت اجتماعی مؤثرند؛ جامعه‌شناسان نقش والدین، ادبیات، قصه‌های رایج، مذهب، طبقه اجتماعی، ساخت خانواده، نظام فرماندهی و فرمانبرداری، موقعیت شغلی و... را تحلیل کرده‌اند (لاور، ۱۳۷۳، ص ۸۹).

لقای این احساس که فرد از سوی دیگران درک می‌شود و در امور مشارکت داده می‌شود، پرهیز از برچسب‌زنی و ایجاد طرح‌واره خاص از افراد، نقد گفته‌ها (نه گوینده)، اجازه ابراز عقاید، پرهیز از متهم‌انگاری، اجتناب از جناح‌بازی سیاسی، جلوگیری از امنیتی‌شدن فضا و ترس مرضی از بیان عقاید و نقد و هدررفت استعدادها، به رسمیت شناختن تکثر فکری-فرهنگی جامعه، آگاهی‌دادن به مردم درباره فرایند اصلاح همگانی، شفافیت، اعتماد حاصل از رضایت از عملکرد دستگاه‌های مبارزه با فساد و... از عوامل ایجاد امید و مشارکت جمعی است که به بررسی چند مورد از آنها می‌پردازیم:



الف. پویش‌های اخلاقی از سرآمدان اجتماعی:

پویش‌های همه‌گیر و خودجوش اجتماعی در شناساندن و پیروز گردانیدن ایده‌ها، منافع و ارزش‌ها، بسیار مؤثرتر از الزام و نظارت بیرونی است. در زمینه شکل‌گیری پویش اجتماعی، انتخاب عاملان اصلی آن، اهمیت زیادی در همگانی‌شدن پویش دارد. در هر جامعه، انواع مختلفی از سرآمدان نظیر سرآمدان سیاسی، روشنفکری، هنری و مذهبی وجود دارند. پویش‌های اخلاقی می‌توانند با برجسته کردن تحقق یک فضیلت در جامعه یا ایجاد یک رودربایستی اجتماعی در تکرار یک خطای اخلاقی و یا استفاده از خاصیت آگاهی‌بخشی در رشد اخلاقی مؤثر باشند.

ب. انکار نکردن مشکلات (پرهیز از فرافکنی):

هر تغییری ممکن است با موانعی از جنس سازکارهای دفاعی اجتماعی و روانی روبه‌رو شود (لاور، ۱۳۷۳، ص ۶)؛ موانعی نظیر ترس از تغییر، محافظه‌کاری، حس تهدید اجتماعی، سیاست‌زدگی، موضع‌گیری قومی-قبیله‌ای، ذی‌نفع‌بودن در وضعیت موجود، درک نادرست از آینده، بی‌دغدغه‌بودن و سهل‌انگاری در انجام وظایف، حس تحمیل و اجبار، وابستگی به وضعیت قبلی، سنت‌پرستی و پافشاری بیش از حد روی رسوم. نداشتن شناخت کافی از وضعیت موجود و رضایت کاذب از وضعیت حاضر (با وجود آسیب‌ها و فسادهای اخلاقی و نابرابری‌های اجتماعی)، فرافکنی و حذف صورت مسئله نیز از بزرگ‌ترین موانع ایجاد انگیزش تغییر است. عرق ملی، تعصب به فرهنگ خودی، حماسه‌سازی و نگاه آرمانی به جامعه، خود عامل ایجاد انگیزه در توسعه است، اما اگر به انکار مشکلات ختم شود، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی است.

ج. سیر دوری و تسلسلی «همه‌چنین‌اند، چرا من نباشم؟»:

پرهیز از فرافکنی فقط در سطح مدیریتی مطرح نیست، بلکه افراد نیز باید با پذیرش معضلات اخلاقی فردی، انگیزه تغییر را در خویش ایجاد کنند و همه مشکلات





جامعه را به ساختارها ارجاع ندهند؛ برای مثال، همه مردم به زشتی آلوده کردن محیط زیست، قبح پارتی‌بازی و رعایت نکردن نوبت در صف پمپ‌بنزین واقف‌اند، اما برخی از ایشان با بهانه «دیگران چنین‌اند، چرا من نباشم؟»، در عمل مرتکب خطا می‌شوند و این به معنی مشروط کردن رفتار خود به دیگران است^۱ که سیر دوری یا تسلسلی بی‌انتهای آن، مانع توسعه اخلاقی است.

د. شفافیت و فراهم آوردن زمینه‌های اعتماد:

هماهنگی و یکنواختی اقدامات دولت (اصلاح ساختارهای کلان) و پویای مردمی (سازه‌های جزئی)، شرط رسیدن به آرمان‌هاست. رمز این هماهنگی و هم‌گامی در آماده‌سازی بسترهای مدنی آن (یعنی اعتماد) است که از عوامل مختلفی همچون شفافیت، صداقت، تعهد و پایبندی به وعده‌ها، پذیرش و احترام، ارزش به رأی مردم، پیش‌بینی‌پذیری، عملکرد مثبت، قانون‌پذیری و صمیمیت و همدلی برمی‌خیزد. مردم باید به این اطمینان و اعتماد دست یابند که ساختارها به سمت اصلاحات اخلاقی و حذف فساد قدم برداشته‌اند. مردم اگر اعتماد نکنند، خودشان هم نمی‌توانند مدیران و کنشگران قابل اعتمادی باشند. شفافیت، عنصری مهم در مشارکت جمعی برای اصلاح است؛ زیرا قابلیت پیش‌بینی را برای افراد ایجاد می‌کند و سبب اعتماد می‌شود. وقتی ابهام وجود دارد، اعتماد یا بی‌اعتمادی، شخص را به تفسیر دوستانه یا دشمنانه اعمال دیگری می‌کشاند (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۴۴۷). شفافیت در جامعه باید از طریق مجاری اصلی و رسمی حاکم شود تا مجاری و منابع غیررسمی نتوانند بر فرهنگ مردم مسلط شوند و با افزایش اخبار ضدونقیض و آمیخته به کذب، بر بی‌اعتمادی بیفزایند. برون‌داد و نتیجه بی‌اعتمادی انباشتی مردم به شخصیت‌های سیاسی، بی‌اخلاقی و هنجارشکنی است.

۱. برخی از نویسندگان با پارادوکس «من به شرط او»، از این امر یاد کرده‌اند (فرامرز قراملکی و نوجه فلاح، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

نتیجه‌گیری

برای رشد اخلاق اجتماعی می‌توان راهکارهایی در سطح جامعه‌نگر ارائه داد. توجه به اخلاق جامعه‌نگر و نگاه ساختارگرایانه، به معنی بی‌توجهی به رشد اخلاق در روابط فردی بیناشخصی نیست. بی‌شک، رشد اخلاقی افراد یک جامعه، در میزان رشد اخلاق اجتماعی مؤثر است؛ بنابراین، برای توسعه اخلاقی باید به شکوفایی توأمان فرد (توسعه فردی) و جامعه (توسعه اخلاقی) نظر کرد.

در مقاله حاضر، راهکارهایی برای رشد اخلاق اجتماعی با نظر به ضعف‌ها و قوت‌های جامعه ایرانی ارائه شد؛ اتخاذ رویکرد سازمانی با سکان‌داری دولت در برنامه‌ریزی رشد، ارائه فهرستی دقیق از اخلاقیات مرتبط با حوزه‌های مختلف در عرصه کاربردی، توجه به مطالعات میدانی و جامعه‌شناختی اخلاق برای شناخت دقیق وضعیت موجود، ارائه شاخص‌ها و اولویت‌سنجی، توجه به پیمایش ملی ارزشمندی ارزش‌ها در دهه‌های مختلف، تجهیز شناختی کنشگران، سرمایه‌گذاری روی کودکان و مدارس، توجه به برانگیختن عواطف اخلاقی جمعی در جامعه، افزایش امید در جامعه برای تغییر، شفافیت و اعتمادسازی، از جمله راهکارهایی هستند که در مقاله حاضر درباره آن‌ها بحث شد.





کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ارسطاطاليس (۱۳۸۱)، اخلاق نیکوماخس، ترجمه سیدابوالقاسم پورحسینی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چ ۲، تهران: کویر.
۵. باقری، خسرو (۱۳۷۷)، مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۹)، «مسئله ساختار/ کارگزار در علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۱۶، ش ۶۴ و ۶۵، ص ۱۴۷-۱۶۶.
۷. حیدری، آرش و سجاد سرحدی (۱۳۹۲)، «دوگانه فرد/جامعه در اندیشه دورکیم: دوگانه‌ای کاذب یا واقعی»، جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۴، ص ۱۱۶-۱۴۸.
۸. خسروی، زهره و خسرو باقری (۱۳۸۷)، «راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه‌های درسی»، فصلنامه مطالعات برنامه‌دستی، ش ۸، ص ۸۱-۱۰۵.
۹. راینهولد، نیبر (۱۳۸۹)، انسان اخلاقی و جامعه غیر اخلاقی؛ مطالعه‌ای در باب اخلاق، سیاست و عدالت، ترجمه رستم فلاح، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. روشه، گی (۱۳۷۳)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، چ ۵، تهران: نشر نی.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱)، المیزان فی التفسیر القرآن، چ ۲، قم: اسماعیلیان.
۱۲. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۸۷)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات خوارزمی.



۱۳. علیزاده، عبدالرضا، حسین ازدری‌زاده و مجید کافی (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی معرفت: جستاری در تبیین رابطه «ساخت و کنش اجتماعی» و «معرفت‌های بشری»، زیر نظر محمد توکل، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. فارابی، محمدبن‌طرخان (۱۴۰۵ق)، فصول منتزعه، تحقیق فوزی متری نجار، تهران: الزهرا.
۱۵. فرامرز قراملکی، احد و رستم نوچه فلاح (۱۳۸۶)، موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها، تهران: مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا.
۱۶. فرد آر، دیوید (۱۳۷۹)، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۷. فرید، ابوالفضل، اسماعیل سعدی‌پور، یوسف کریمی و محمدرضا فلسفی‌نژاد (۱۳۸۹)، «اثربخشی روش‌های آموزش مستقیم، آموزش شناختی اخلاق، شفاف‌سازی ارزش‌ها، و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان»، فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ش ۱۹، ص ۹۶-۱۱۶.
۱۸. کیلن، ملانی و جودیث اسمتانا (۱۳۸۹)، رشد اخلاقی (کتاب راهنما)، ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده، علیرضا شیخ‌شعاعی و سیدرحیم راستی‌تبار، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. لاور، رابرت. اچ. (۱۳۷۳)، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۰. لیپمن، متیو، آن شارپ و فردریک اسکانیان (۱۳۹۵)، فلسفه در کلاس درس، ترجمه محمد زهیر باقری نوع‌پرست، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام، بیروت: وفا.

۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چ ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. مصلحی نیک، فائزه و ابراهیم حاجیانی (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر فضای مجازی بر همدلی اجتماعی دانشجویان»، *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ش ۲۲، ص ۳۳۱-۳۵۵.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
25. Damasio, Antonio (1994), *Descant's error: Emotion, reason, and the human brain*, New York: Harper Collins.
26. Damasio, Antonio (2003), *Looking for Spinoza: Joy, sorrow, and the feeling brain*, London: WILLIAM HEINEMANN.
27. Gilligan, Carol (2003), *In a different voice: psychological theory and Woman's development*, Thirty eighth printing, Cambridge, Massachusetts, and England: Harvard University press.
28. Hoffman, Martin. L. (2000), *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*, Cambridge, England: Cambridge University press.
29. Haidt, J. (2001), "The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment", *Psychological Review*, No. 108, p. 814-834.
30. Hinckfuss, Ian (1987), *The Moral Society: Its Structure and Effects*, Australian National University, Departments of philosophy.
31. Hume, D. (2006), *An inquiry concerning the principles of morals*, Hard press.
32. Kolb, W. Robert (2008), *Encyclopedia of Business Ethics and society*, Thousand Oaks, California: SAGE Publications.





33. Kohlberg, L. (1969), "Stage and sequence: the cognitive developmental approach to socialization. In D. Goslin (Ed.)", *Handbook of socialization theory and research*, New York: Rand McNally & company, p. 347-480.
34. Nussbaum, M.C. (1999), *Sex and Social justice*, New York: Oxford University press.
35. Piaget, j. (1948), *The moral judgment of the child*. Translated by Marjorie Gabain, printed in U.S.A. Free press, GLENCOE, ILLINOIS.
36. Turiel, Elliot (1985), *The development of social knowledge: Morality and convention*, Cambridge, London, New York: New Rochelle, Melbourne Sydney: Cambridge, university press, reprinted.

References

1. *The Holy Quran*
2. *Nahj al-balaqah*.
3. Alizadeh, Abdolreza, Ajdarizadeh, Hossein, Kafi Majid (2012), *Sociology of Knowledge: An Essay on Explaining the Relationship between "Social Construction and Action" and "Human Knowledge"*, under the supervision of Mohammad Tavakol, Qom: Research Center and University.
4. Aristotalis, (2002), *Nicomachean ethics*, translated by Seyed Abolghasempour Hosseini, Tehran, University of Tehran Press, second edition, vols. 1 & 2
5. Bagheri, Khosrow (1998), *Fundamentals of Moral Education Methods*, Tehran: Islamic Propaganda Organization
6. Damasio, Antonio (1994), *Descart's error: Emotion, reason, and the human brain*, New York: Harper Collins.
7. Damasio, Antonio (2003), *Looking for Spinoza: Joy, sorrow, and the feeling brain*. London: WILLIAM HEINEMANN.
8. Farabi, Mohammad Ibn Tarkhan, (1405 AH), *Fosol Montazeeh*, Fawzi Najjar Research, Tehran: al-Zahra Publications
9. Faramarz Gharamaleki, Ahad and Rostam Nocheh Fallah (2007), *Barriers to the Development of Professional Ethics in Organizations*, Tehran: Bashra Religious and Cultural Institute.
10. Farid, Abolfazl, Saadipour, Ismail, Karimi, Yousef, Falsafinejad, Mohammad Reza (2010), "The effectiveness of direct teaching methods, cognitive ethics education, transparency of values, and a combination of students' moral judgment", *Journal of Psychology, University of Tabriz*, No. 19, p. 96-116.
11. Gilligan, Carol (2003), *In a different voice: psychological theory and Woman's development*, Thirty eighth printing Cambridge, Massachusetts, and England: Harvard University press.
12. Haghghat, Seyed Sadegh (2010), "The Problem of Structure / Agent in Social Sciences", *Methodology of Humanities*, 16 (64 & 65), p. 147-166.
13. Haidt, J. (2001), "The emotional dog and its rational tail: A social intuitinist approach to moral judgement", *Psychological Review*, No. 108, p. 814-834.
14. Heidari, Arash and Sajjad Sarhadi, (2013), "The Individual / Society Dualism in Durkheim's Thought: False or Real Dualities", *Sociology of Iran*, No. 14, p. 116-148
15. Hinckfuss, Ian (1987), *The Moral Society: Its Structure and Effects*, Australian National University, Departments of philosophy.
16. Hoffman, Martin, L. (2000), *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*, Cambridge, England: Cambridge University press.
17. Hume, D. (2006), *An inquiry concerning the principles of morals*, Hard press. .
18. Inglehart, Ronald, (2003), *Cultural Transformation in the Advanced Industrial Society*, translated by Maryam Vatr, second edition, Tehran: Kavir.
19. Khosravi, Zohreh, Bagheri, Khosrow (2008), "A Guide to Internalizing Moral Values through Curricula", *Curriculum Studies Quarterly*, No. 8, p. 81-105.
20. Khosravi, Zohreh, Bagheri, Khosrow, (2008), "A Guide to Internalizing Ethical Values through Curricula", *Curriculum Studies Quarterly*, 2 (8), p. 81-105.
21. Killen, Melanie, Smetana, J. (2010), *Moral Development (Handbook)*, translated by Mohammad Reza Jahangirzadeh, Ali Reza Sheikh Shoaie, Seyed Rahim Rasti Tabar, Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture.
22. Kohlberg, L. (1969), "Stage and sequence: the cognitive developmental approach to socialization. In D. Goslin (Ed.)", *Handbook of socialization theory and research*, New York: Rand McNally & company, pp. 347-480.
23. Kolb W. Robert (2008), *Encyclopedia of Businnes Ethics and society*, Thousand Oaks, California: SAGE Publications, 5 vol.
24. Laurel, Robert H. (1994), *Perspectives on Social Transformation*, translated by Kavous Seyed Emami, Tehran, University Publishing Center.
25. Lippmann, M., Sharp, A. and Scanian, F. (2016), *Philosophy in the Classroom*, translated by Mohammad Zahir Bagheri, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
26. Majlisi, Mohammad Baqir (1403 AH), *Bihar al-Anwar al-Jame'a Ledorar Akhbar al-Aeme al-Athar*, Beirut: Wafa.
27. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2019), *Society and history from the perspective of the Quran*, second edition Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
28. Moslehi Nik, Faezeh, Hajiani, Ebrahim, (2017), "The effect of cyberspace on students' social empathy", *social and cultural strategy*, No. 22, p. 331-355
29. Motahari, Morteza, (2006), *Collection of Works*, Tehran: Sadra Publications.

30. Nussbaum, M.C. (1999), *Sex and Social justice*, New York: Oxford University press.
31. Piaget, j. (1948), *The moral judgement of the child*. Translated by Marjorie Gabain, printed in U.S.A. Free press, GLENCOE, ILLINOIS.
32. Reinhold, Nieber (2010), *Moral Man and Immoral Society, A Study on Ethics, Politics and Justice*, translated by Rostam Fallah, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
33. Rosheh, Gay (1994), *Social Change*, translated by Mansour Vosoughi, fifth edition, Tehran: Ney Publishing.
34. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1992), *al-Mizan Fi al-Tafsir al-Quran*, second edition, Qom: Ismailian.
35. Turiel, Elliot (1985), *The development of social knowledge: Morality and convention*, Cambridge, London, New York: New Rochelle, Melbourne Sydney: Cambridge, university press, reprinted.
36. Tusi, Khawaja Nasir al-Din (1996), *Sharh al-Isharat wa al-Tanbihat*, Qom: Nashr al-Balaghah.